

امیر قمرانی

کارشناس ارشد روانشناسی و آموزش کودکان استثنایی

سمانه سادات جعفر طباطبائی

کارشناس ارشد روانشناسی و آموزش کودکان استثنایی

چکیده

اهداف پژوهش حاضر عبارتند از: ۱- بررسی روابط زوجین ایرانی براساس مدل استرنبرگ، ۲- تعیین مؤلفه بارزتر (صمیمیت، تعهد و شهوت) در روابط زوجین و ۳- بررسی رابطه «روابط عاشقانه سه گانه» با رضایت زناشویی و متغیرهای دموگرافیک. نمونه آماری تحقیق حاضر مشتمل بر ۶۶ زوج جوان و میانسال بودند که به روش نمونه گیری در دسترس انتخاب و با استفاده از سه ابزار: ۱- مقیاس عشق سه گانه استرنبرگ (استرنبرگ، ۱۹۸۹) ۲- مقیاس رضایت زناشویی انریخ و ۳- پرسشنامه سنجش متغیرهای دموگرافیک مورد مطالعه قرار گرفتند. نتایج پژوهش بیانگر آن بود که میان زوجین جوان و میانسال در مؤلفه صمیمیت عدم تفاوت و در دو مؤلفه تعهد و شهوت تفاوت‌های معناداری وجود دارد. اثر پیلایی با آزمون t وابسته به همراه تصحیح بونفرونی نشان داد که در زوجین میانسال بارزترین ویژگی تعهد و در زوجین جوان شهوت می‌باشد. بررسی متغیرهای دموگرافیک حاکی از آن بود که: ۱- سواد، شغل و مدت ازدواج (زوجین جوان و میانسال) پیش‌بینی‌کننده‌های مثبت و معنادار روابط عاشقانه زوجین و مؤلفه‌های

آن می‌باشند در حالی که سن و تعداد اعضای خانواده زوجین فاقد این قدرت پیش‌بینی هستند. از سوی دیگر نتایج نشان داد که مؤلفه‌های روابط عاشقانه، تنها قدرت پیش‌بینی ابعاد ارتباط دوتایی، روابط حسی و موضوعات شخصیتی را دارا می‌باشند و سایر ابعاد رضایت زناشویی را پیش‌بینی نمی‌کنند.

مقدمه

خانواده به لحاظ قدمت، ابتدایی‌ترین و از نظر گستردگی، جهان‌شمول‌ترین سازمان و یا نهاد اجتماعی است، این امر نشان می‌دهد که خانواده واجد ارزش بقایی بسیار مهمی برای فرد و نوع انسان می‌باشد (هربرت، ۱۹۸۸، به نقل از مظاهری و همکاران، ۱۳۸۲). خانواده همچنین مولد نیروی انسانی و معبر سایر نهادهای اجتماعی است، به گونه‌ای که بهنجاری یا نابهنجاری جامعه در گرو شرایط عمومی خانواده‌هاست و هیچ یک از آسیب‌های اجتماعی فارغ از تأثیر خانواده پدید نمی‌آید (حمیدی و همکاران، ۱۳۸۳) از سوی دیگر پرواضح است که نیروی تعیین‌کننده جهت و شیوه حرکت خانواده زوجین می‌باشند.

در دوران معاصر روابط زوجین ایرانی در معرض تغییرات ساختاری قرار گرفته و دگرگونی و پراکندگی بسیار در آن مشاهده می‌شود که این امر به نوبه خود می‌تواند مشکلاتی را در منظومه خانواده ایجاد نموده و حتی آن را به سمت فروپاشی سوق دهد (عامری و همکاران، ۱۳۸۲). با این توصیف، اهمیت و ضرورت بررسی روابط زوجین ایرانی بیش از پیش آشکار می‌گردد. در همین راستا یکی از راه‌های دستیابی به هدف مذکور بررسی روابط عاشقانه زوجین می‌باشد.

اگر چه بررسی عشق^(۱) و مفهوم آن ریشه در تئوری‌های اولیه روانشناسی نظیر تئوری فروید (۱۹۹۲)، ریک (۱۹۹۴) و مازلو (۱۹۶۲) دارد (به نقل از لی، ۱۹۷۷). با این وجود بررسی علمی عشق و مباحث مربوط به روابط عاشقانه، مبحث جدیدی است که اخیراً در رویکردهای روانشناسی اجتماعی و شخصیت‌بدان پرداخته شده است. (ماسودا، ۲۰۰۳).

1. Love

نظریه پردازان معاصر، معتقدند که عشق اصلاً یک سازه تک بعدی و منفرد نیست بلکه کلیتی است که برای درک و فهم عمیق آن نیاز به شناخت سبک‌های انفرادی افراد از عشق می‌باشد (دیسنر و همکاران، ۲۰۰۴). در میان تئوری‌های موجود در زمینه روابط عاشقانه زوجین، تئوری عشق سه‌گانه^(۱)، استرنبرگ (استرنبرگ، ۱۹۸۸، ۱۹۸۶، ۱۹۸۴، ۱۹۹۷) از تئوری‌های بسیار مطرح می‌باشد، مطابق با این تئوری، روابط عاشقانه را می‌توان به صورت سه مؤلفه که با همدیگر سه راس یک مثلث را تشکیل می‌دهند در نظر گرفت. مؤلفه‌های مزبور عبارتند از: صمیمیت^(۲) (رأس بالایی مثلث)، شهوت (مسائل جنسی^(۳)) (رأس سمت چپ مثلث و تعهد^(۴)) (رأس سمت راست). روابط میان این مؤلفه‌ها، به شرح دیاگرام ذیل می‌باشد:



صمیمیت به احساساتی نظیر: نزدیکی^(۵)، پیوند^(۶) و رابطه عمیق^(۷) در روابط عاشقانه اشاره دارد که می‌توانند به روابط زوجین گرمی^(۸) ببخشند. شهوت به سائق‌هایی که با روابط رمانتیک^(۹)، جذابیت جسمانی^(۱۰) و بهره‌کشی جنسی^(۱۱) مرتبط هستند اشاره دارد و مؤلفه‌های هیجانی روابط عاشقانه را بازنمایی می‌کند. تعهد به تصمیم‌گیری زوجین در مورد اقامت کردن با یکدیگر و در کنار همدیگر بودن اشاره دارد که در شکل کوتاه مدت به رابطه با یک شریک معین و در شکل بلندمدت، عاملی برای حفظ تداوم، و بقای روابط عاشقانه زوجین می‌باشد (استرنبرگ، ۱۹۸۴، ۱۹۸۶، ۱۹۸۸).

1. Triangular Theory of Love

3. Passion

5. Closeness

7. Bondedness

9. Romance

11. Sexual consummation

2. Intimacy

4. Commitment

6. Connectedness

8. Warmth

10. Physical attraction

(۱۹۹۷). پس از آنکه اولین بار استرنبرگ در سال ۱۹۸۴، تئوری عشق سه گانه را ارائه نمود، در مطالعات متعددی کارایی این تئوری چه به لحاظ تجربی و چه به لحاظ متدولوژیکی، مطلوب احراز گردید (هنریک و هنریک، ۱۹۸۹). در همین راستا در مطالعه‌ای که توسط هاسبراک و بوهل (۱۹۹۶)، به منظور بررسی تجربی تئوری استرنبرگ صورت گرفت مشخص شد که طبقه‌بندی و مقوله‌بندی براساس تئوری عشق سه گانه استرنبرگ با نتایج حاصل از مطالعه تجربی همخوانی داشته، به گونه‌ای که افراد مختلف قضاوت یکسانی در مورد ابعاد داشته‌اند.

ماسودا (۲۰۰۳)، پس از فراتحلیل^(۱) ۳۳ مطالعه تجربی نشان داد که تئوری عشق سه گانه استرنبرگ با سایر رویکردهای نظری در این حوزه و همچنین با متغیر رضایتمندی از روابط همبستگی مثبت و معناداری دارد.

استرنبرگ (۱۹۹۷)، در بررسی روایی سازه‌ای^(۲) مقیاس عشق سه گانه^(۳)، در دو مطالعه جداگانه و از طریق شیوه‌های اعتبار درونی^(۴) و بیرونی^(۵)، کارایی مقیاس عشق سه گانه را ثابت نمود.

تحقیقات استرنبرگ در خصوص بررسی سازه عشق تنها به ارائه تئوری عشق سه گانه محدود نمی‌شود. برای مثال او در یک صورت بندی متفاوت از سازه عشق، نظریه عشق به مثابه یک داستان را مطرح می‌کند که براساس آن انسان‌ها گرایش دارند عاشق کسانی شوند که قصه هایشان با قصه‌های آنان یکی یا مشابه آن است. بر این اساس اگر از سر اتفاق عاشق کسی شویم که قصه‌ای کاملاً متفاوت با ما داشته باشد، آن وقت است که هم رابطه ما و هم عشقی که زیر ساخت این رابطه است متزلزل خواهد شد. لازم به یادآوری است که در خصوص بررسی روانسنجی این تئوری تحقیقات زیادی صورت نگرفته و استرنبرگ نیز اذعان می‌دارد که تلاش برای اعتبار بخشیدن به این تئوری تکمیل نشده است (استرنبرگ، به نقل از بهرامی، ۱۳۸۲).

بررسی سازه‌های مرتبط با روابط عاشقانه، گویای پهنه وسیعی از متغیرهایی است که روابط عاشقانه با آنها ارتباط دارد یا بر آنها تأثیر می‌گذارد. در همین راستا، پیریت

1. Meta analysis
3. Triangular love scale
5. External validation

2. Construct validation
4. Internal validation

(۱۹۹۳)، در مطالعه‌ای که تحت عنوان «سه جنبه تجدید نظر شده خلاقیت» انجام داد، نشان داد که مؤلفه‌های صمیمیت، تعهد و مسائل جنسی (مؤلفه‌های روابط عاشقانه) به منظور دستیابی به پیشرفت و خلاقیت لازم می‌باشند. اینگل و همکاران (۲۰۰۲) در پژوهش خود به بررسی قدرت پیش‌بینی‌کنندگی صفات شخصیتی بر روی مؤلفه‌های روابط عاشقانه پرداختند. نتایج تحقیق آنها نشان داد که از میان صفات شخصیتی پنجگانه، با وجدان‌بودن^(۱) پیش‌بینی‌کننده معناداری برای مؤلفه‌های روابط عاشقانه می‌باشد.

گائو (۲۰۰۱) به منظور بررسی تأثیر فرهنگ بر روابط عاشقانه، روابط عاشقانه ۹۰ زوج چینی و ۷۷ زوج آمریکایی را مورد مطالعه قرار داد. نتایج تحقیق وی نشان داد که در زوجین آمریکایی در قیاس با زوجین چینی، مؤلفه شهوت نمود بیشتری دارد چه آنکه میان دو گروه در مؤلفه‌های صمیمیت و تعهد تفاوت معناداری یافت نشد.

از دیگر سازه‌هایی که ارتباط آن با روابط عاشقانه در تحقیقات متعددی ثابت شده است رضایتمندی از روابط^(۲) می‌باشد. دامنه این ارتباط و همبستگی تا حدی است که حتی پاره‌ای از محققین، همبستگی مثبت و معنادار روابط عاشقانه با رضایتمندی را به عنوان شاخصی از روایی همزمان^(۳) مقیاس‌های روابط عاشقانه در نظر می‌گیرند (ماسودا، ۲۰۰۳). رضایتمندی زناشویی وضعیتی است که در آن زن و شوهر در بیشتر مواقع احساسی ناشی از خوشبختی و رضایت از همدیگر دارند. روابط رضایت‌بخش در بین زوجین از طریق علاقه متقابل، میزان مراقبت از همدیگر و پذیرش و تفاهم یکدیگر قابل سنجش است (سین‌ها و ماکرجک، ۱۹۹۰). رضایت زناشویی به صورت خودکار ایجاد نمی‌شود، بلکه ایجاد آن نیاز به تلاش زوجین دارد (کانوی، ۲۰۰۰).

از آنجایی که بررسی روابط عاشقانه زوجین می‌تواند اطلاعات مناسبی در اختیار مشاوران خانواده و ازدواج قرار دهد که در بهبود و روند روابط آنان مؤثر واقع شود پژوهش حاضر به منظور مطالعه هدف کلی بررسی روابط عاشقانه زوجین انجام گرفت. افزون بر این در این پژوهش به تعیین ارتباط برخی متغیرهای دموگرافیک و رضایت زناشویی با مؤلفه‌های روابط عاشقانه به عنوان اهداف فرعی نیز پرداخته شد. بر این اساس سؤالات پژوهش حاضر به شرح ذیل مطرح گردید:

1. Conscientiousness
3. Concurrent validity

2. Relationship satisfaction

- ۱- آیا بین زوجین جوان و میانسال به لحاظ مؤلفه های روابط عاشقانه تفاوت وجود دارد؟
- ۲- کدامیک از مؤلفه های روابط عاشقانه در زوجین جوان بارزتر می باشد؟
- ۳- کدامیک از مؤلفه های روابط عاشقانه در زوجین میانسال بارزتر می باشد؟
- ۴- قدرت پیش بینی کنندگی متغیرهای دموگرافیک بر مؤلفه های روابط عاشقانه چگونه می باشد؟
- ۵- قدرت پیش بینی کنندگی روابط عاشقانه بر مؤلفه های رضایت زناشویی چگونه می باشد؟

روش تحقیق

جامعه، نمونه و روش نمونه گیری: جامعه آماری پژوهش حاضر کلیه زوجین جوان (کمتر از ۱۰ سال ازدواج) و میانسال (بین ۱۰ تا ۲۰ سال ازدواج) شهرستان بیرجند بودند. از میان جامعه مذکور تعداد ۶۶ زوج جوان و میانسال (با نسبت برابر) و با روش نمونه گیری در دسترس انتخاب و مورد مطالعه قرار گرفتند.

ابزار پژوهش

در این پژوهش متناسب با اهداف تحقیق از سه ابزار به ترتیب ۱- پرسشنامه سنجش متغیرهای دموگرافیک برای سنجش متغیرهای سن، تحصیلات، مدت ازدواج، شغل و تعداد اعضای خانواده زوجین، ۲- مقیاس سه گانه عشق استرنبرگ (استرنبرگ، ۱۹۸۹) مشتمل بر ۴۵ سؤال و سه مؤلفه صمیمیت، تعهد و شهوت (مسائل جنسی) و ۳- مقیاس رضایت زناشویی انریچ فرم ۴۷ سؤالی مشتمل بر نه مؤلفه شامل: موضوعات شخصیتی، روابط دوتایی، حل تعارض، مسائل مالی، اوقات فراغت، روابط جنسی، تربیت فرزند، ارتباط با اقوام و جهت گیری مذهبی استفاده شد.

روایی و اعتبار ابزارها

۱- مقیاس سه گانه عشق: استرنبرگ (۱۹۹۷)، روایی سازه ای سه گانه عشق را در دو مطالعه جداگانه و با استفاده از روش های اعتبار درونی و بیرونی مطلوب به دست آورده است. در این پژوهش نیز پس از ترجمه و آماده سازی مقیاس، به منظور بررسی روایی

مقیاس یاد شده از روش های روایی محتوا (با اخذ نظر از متخصصین روانشناسی) و ضریب همبستگی خرده آزمون‌ها با نمره کل استفاده شد. بدین ترتیب ضرایب همبستگی برای مؤلفه های صمیمیت، تعهد و شهوت به ترتیب ۰/۶۶، ۰/۹۲، ۰/۷۷ به دست آمد که کلیه ضرایب در سطح یک صدم معنادار بودند.

پایایی آزمون نیز با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ برای کل آزمون ۰/۹۲ به دست آمد. نتایج حاصل از روایی و پایایی مقیاس در پژوهش حاضر، قابل قیاس با نتایج مطالعه استرنبرگ (۱۹۹۷) بر روی فرم اصلی مقیاس می باشد.

۲- مقیاس رضایت زناشویی انریچ: السن و السن (۱۹۹۷)، در مطالعه‌ای ضریب اعتبار مقیاس را در کار کلینیکی بین ۰/۸۵ تا ۰/۹۵ به دست آوردند. در ایران نیز این مقیاس توسط سلیمانیان و نوابی نژاد (۱۳۷۳)، هنجاریابی شده است. اعتبار این مقیاس با روش ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۵ (سلیمانیان و نوابی نژاد، ۱۳۷۲) و با روش بازآزمایی ۰/۹۴ (مهدویان، ۱۳۷۶) به دست آمده است.

یافته‌های پژوهش

نتایج مربوط به سؤال اول تحقیق، یعنی بررسی تفاوت زوجین جوان و میانسال به لحاظ مؤلفه های روابط عاشقانه، در جدول ۱ آورده شده است.

شاخص ها مؤلفه‌ها	گروه	میانگین	انحراف معیار	t	سطح معناداری
صمیمیت	زوجین جوان	۱/۳۰	۳/۵۶	۰/۷۱	۰/۴۸
	زوجین میانسال	۰/۶۳	۴/۷۲		
تعهد	زوجین جوان	-۱/۴۰	۳/۸۸	۳/۳۰	۰/۰۰۱
	زوجین میانسال	۱/۰۴	۳/۲۷		
شهوت	زوجین جوان	۱/۶۲	۳/۸۸	۳/۶۳	۰/۰۰۰۱
	زوجین میانسال	-۱/۴۷	۴/۷		

نتایج جدول ۱ حاکی از آنست که میان زوجین جوان و میانسال در دو مؤلفه تعهد و شهوت تفاوت معناداری وجود دارد. به گونه‌ای که زوجین میانسال دارای تعهد بالاتر ($\bar{X} = 1/04$) و زوجین جوان دارای میزان شهوت بالاتر ($\bar{X} = 1/62$) می‌باشند. افزون بر این جدول ۱ نشان می‌دهد که میان دو گروه زوجین به لحاظ مؤلفه صمیمیت تفاوت معناداری وجود ندارد.

به منظور بررسی مؤلفه بارزتر (صمیمیت، تعهد و شهوت) در هر گروه از زوجین به صورت مجزا (سؤالات دوم و سوم تحقیق حاضر)، از آزمون تحلیل واریانس با اندازه‌گیری مکرر^(۱) استفاده شد که نتایج آن به شرح جداول ۲ و ۳ می‌باشد.

جدول ۲- اثر مؤلفه شهوت در زوجین با استفاده از آزمون مکرر

شهوة	Ms	F-ratio	DF	مقایسه
	۴۲/۱۱	۵/۲۹*	۱ و ۳۲	صمیمیت با تعهد > شهوت
روابط عاشقانه	Pillai's trace	F-ratio	DF ₁	DF ₂
	۰/۹۳	۲۰/۲۹	۳	۳۰

* P < 0.001

جدول ۳- اثر مؤلفه تعهد در زوجین میانسال با استفاده از آزمون مکرر

تعهد	MS	F-ratio	DF	مقایسه
	۴۰/۳	۵/۱۲*	۱ و ۳۲	صمیمیت با شهوت > تعهد
روابط عاشقانه	Pillai's trace	F-ratio	DF ₁	DF ₂
	۰/۹۰	۱۳/۱	۲	۳۰

* P < 0.001

نتایج جدول ۲ و ۳ به همراه آزمون تعقیبی (t وابسته به تصحیح بونفرونی) مشخص کرد که در زوجین جوان و میانسال تفاوت معناداری بین مؤلفه های روابط عاشقانه وجود دارد که در سطح ۰/۰۰۱ معنادار است. همچنین نتایج جدول مذکور حاکی از آنست که

1. Repeated measures

در زوجین جوان مؤلفه شهوت و در زوجین میانسال مؤلفه تعهد از سایر مؤلفه‌ها بالاتر و بارزتر می‌باشند.

به منظور بررسی سؤال چهارم تحقیق، یعنی بررسی قدرت پیش‌بینی‌کنندگی متغیرهای دموگرافیک بر مؤلفه‌های روابط عاشقانه از تحلیل رگرسیون چندمتغیره استفاده شد.

جدول ۴- نتایج تحلیل رگرسیون مؤلفه‌های روابط عاشقانه بر متغیرهای دموگرافیک

P	t	β	متغیرهای پیش‌بینی‌کننده	متغیرهای پیش‌شونده
<0/05	2/3	0/10	سواد	تعهد
<0/05	1/9	0/08	شغل	
<0/001	4/7	0/19	مدت ازدواج	
NS	1/7	0/07	سن	
NS	1/5	0/06	تعداد اعضای خانواده	
<0/05	2/2	0/10	سواد	صمیمیت
<0/01	3/2	0/14	شغل	
<0/001	3/4	0/15	مدت ازدواج	
NS	1/5	0/06	سن	
NS	1/2	0/005	تعداد اعضای خانواده	
<0/05	2/0	0/09	سواد	شهوت
<0/05	2/0	0/08	شغل	
<0/05	-2/3	-0/10	مدت ازدواج	
NS	1/2	0/05	سن	
NS	1/0	0/04	تعداد اعضای خانواده	

همانطور که از جدول ۴ بر می‌آید از میان متغیرهای دموگرافیک؛ سواد، شغل و مدت ازدواج (زوجین جوان و میانسال) پیش‌بینی‌کننده‌های معنادار روابط عاشقانه می‌باشند.

همچنین متغیر مدت ازدواج، میزان شهوت را در جهت منفی و به صورت معکوس پیش‌بینی می‌کند بدین معنی که با افزایش میزان مدت ازدواج زوجین، میزان اهمیت شهوت در روابط عاشقانه آنها کمتر می‌شود. افزون بر این جدول فوق نشان می‌دهد که سن و تعداد اعضای خانواده زوجین قدرت پیش‌بینی مؤلفه‌های روابط عاشقانه را ندارند.

به منظور بررسی رابطه «روابط عاشقانه سه گانه» با مؤلفه‌های روابط زناشویی (سؤال پنجم تحقیق) نیز از تحلیل رگرسیون چند متغیره استفاده شد بدین صورت که نمره کل آزمودنی‌ها در مقیاس روابط عاشقانه به عنوان متغیر پیش‌بینی‌کننده و مؤلفه‌های رضایت زناشویی به عنوان متغیر ملاک وارد معادلات رگرسیونی شدند.

جدول ۵- نتایج تحلیل رگرسیون نمره کلی روابط عاشقانه بر مؤلفه‌های رضایت زناشویی

متغیر پیش‌بینی‌کننده	متغیرهای پیش‌بینی شونده	ضریب غیراستاندارد	خطای استاندارد	ضریب استاندارد	سطح معناداری
روابط عاشقانه کلی	موضوعات شخصیتی	۰/۲۰	۰/۰۶	۰/۲۴	۰/۰۱
	روابط دوتایی	۰/۲۶	۰/۰۷	۰/۳۱	۰/۰۱
	حل تعارض	۰/۰۱۴	۰/۰۶۰	۰/۰۱۷	NS
	مسائل مالی	۰/۰۲۱	۰/۰۶۰	۰/۰۲۵	NS
	اوقات فراغت	۰/۰۰۴	۰/۰۴۰	۰/۰۰۸	NS
	روابط جنسی	۰/۱۱	۰/۰۵	۰/۱۷	۰/۰۲
	تربیت فرزند	۰/۰۳۹	۰/۰۵۶	۰/۰۴۸	NS
	ارتباط با اقوام	۰/۰۷۱	۰/۱۸۳	۰/۰۲۷	NS
	جهت‌گیری مذهبی	۰/۰۰۷	۰/۰۴۴	۰/۰۱۲	NS

همانطور که از جدول ۵ بر می‌آید روابط عاشقانه، تنها قدرت پیش‌بینی ابعاد ارتباط دوتایی، روابط جنسی و موضوعات شخصیتی را دارا می‌باشند و سایر ابعاد زناشویی را پیش‌بینی نمی‌کنند.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر بررسی روابط عاشقانه زوجین ایرانی براساس مدل استرنبرگ (۱۹۸۶، ۱۹۸۹، ۱۹۹۷) بود. همچنین به دلیل ارتباط متغیرهای دموگرافیک و رضایتمندی زناشویی با روابط عاشقانه به بررسی ارتباط متغیرهای مزبور نیز توجه شد. نتایج این تحقیق و تحقیقاتی از این دست می‌تواند مورد استفاده مشاوران خانواده و ازدواج قرار گیرد. چه آنکه داوونپورت و همکارانش (۱۹۹۲) نیز معتقدند که اینگونه تحقیقات می‌تواند به مشاوران کمک نماید تا علائم و نشانه‌های آن دسته از مراجعینی را که در خصوص روابط عاشقانه به کلینیک‌های مشاوره مراجعه می‌کنند مفهوم سازی نمایند. نتایج مربوط به سؤال اول تحقیق نشان داد که در میان زوجین جوان و میانسال تنها به لحاظ شهوت و تعهد تفاوت معنادار وجود دارد. در همین راستا نتایج مربوط به سؤالات دوم و سوم تحقیق مشخص کرد که در زوجین جوان مؤلفه شهوت و در زوجین میانسال مؤلفه تعهد از سایر مؤلفه‌ها بالاتر و بارزتر می‌باشند. این یافته‌ها ضمن آنکه با نتایج تحقیقات فیهر (۱۹۸۸)، فیهر و راسل (۱۹۹۱) و روسبولت و همکاران (۱۹۹۳)، همسو است. تلویحی مشاوره‌ای نیز به دنبال دارد و آن اینکه به لحاظ اهمیت و نقش مسائل جنسی (شهوت) در زوجین جوان، لازم است که در آموزش‌های قبل از ازدواج زوجین بر سایر مؤلفه‌های روابط عاشقانه نظیر تعهد و صمیمیت نیز تأکید گردد. ضمن آن که آموزش شیوه‌های صحیح ارتباطات جنسی و کسب لذت از روابط جنسی به زوجین جوان توصیه می‌شود.

نتایج مربوط سؤال چهارم پژوهش حاضر، قدرت پیش‌بینی‌کنندگی متغیرهای سواد، شغل و مدت ازدواج بر روابط عاشقانه بود. این یافته بدین معناست که با افزایش سطح سواد زوجین و تخصصی شدن طبقه شغلی آنها، بر میزان صمیمیت و تعهدشان افزوده شده و از میزان تأکیدشان بر مسائل جنسی و شهوانی در روابط عاشقانه کاسته می‌شود. این الگوی پیش‌بینی در مورد متغیر مدت ازدواج نیز صادق است. براساس این یافته چنین به نظر می‌رسد که زوجین با سواد و برخوردار از مشاغل فنی - تخصصی و وابسته به سطوح بالای هرم شغلی، به ازدواج صرفاً به عنوان یک نیاز برای تشفی غریزه جنسی نمی‌نگرند بلکه اهداف دیگری نظیر صمیمیت و تعهد را نیز در ازدواج جستجو

می‌نمایند. در تبیین یافته مربوط به قدرت پیش‌بینی‌کنندگی طول مدت ازدواج بر روابط عاشقانه می‌توان به ویژگی‌های فرهنگی حاکم بر سنت پسندیده ازدواج در ایران تأکید نمود. سمبل‌های فرهنگی خاص؛ نظیر «زن و مرد تادم مرگ برای همدیگر هستند». «زن با لباس سفید عروسی به خانه شوهر می‌آید و با کفن سفید از آنجا خارج می‌شود» و مواردی مانند قبح و کراهت روابط عاشقانه با فردی غیر از همسر قانونی و... از هنجارها و ارزش‌های خاص فرهنگ ایرانی است که می‌تواند بر افزایش تعهد و صمیمیت زوجین نسبت به همدیگر مؤثر باشد چه آنکه در همین راستا، گاثو (۲۰۰۱) نیز به اثرات متفاوت نوع فرهنگ (جمعی - فردی) بر روابط عاشقانه زوجین تأکید می‌نماید.

آخرین یافته پژوهش حاضر (سؤال پنجم تحقیق)، وجود ارتباط میان روابط عاشقانه با مؤلفه‌های مسائل جنسی، ارتباط دوتایی و موضوعات شخصیتی بود. ارتباط میان مؤلفه‌های مسائل جنسی با روابط عاشقانه، با عنایت به اینکه متغیر مزبور سازه‌ای مشترک در هر دو مقیاس عشق سه‌گانه و رضایت زناشویی می‌باشد دور از انتظار نمی‌باشد. رابطه میان مؤلفه‌های ارتباط دوتایی با روابط عاشقانه با عنایت به اینکه ارتباط دوتایی متشکل از درک و تفاهم، صمیمیت، همدلی و مراودات کلامی و غیرکلامی در بین زوجین است (کاناری و استافورد، ۱۹۹۲) و محققان معتقدند که روابط دوتایی میان زن و شوهر در بین سایر ابعاد رضایت زناشویی نقش محوری داشته (به نقل از احمدی، ۱۳۸۲)، به گونه‌ای که علت ۷۸ درصد از اختلافات زناشویی زوجین، مشکلات ارتباطی ذکر شده است (مرکز مشاوره خانواده آمریکا، به نقل از یانگ و لانگ، ۱۹۹۸؛ ادنوهیو و گروچ، ۱۹۹۶) قابل تبیین می‌باشد. کاربرد مشاوره‌ای این یافته با توجه به رابطه میان روابط عاشقانه و ارتباطات دوتایی زوجین آنست که می‌توان با آموزش الگوهای صحیح ارتباطی و محاوره‌ای به زوجین، خصوصاً زوجین جوان، به افزایش صمیمیت و تعهد در روابطشان افزود و میزان رضایتمندی از زندگی آنها را در سطح بالایی حفظ نمود. علاوه بر این، ارتباط میان روابط عاشقانه و موضوعات شخصیتی با عنایت به اینکه این بعد (موضوعات شخصیتی) درک شخص از همسرش با توجه به رفتارها، ویژگی‌ها و سطح رضایت یا عدم رضایت از سلیقه‌ها را مطرح می‌کند قابل تبیین است، ضمن آنکه با نتایج پژوهش اینگل و همکاران (۲۰۰۲) نیز همسو می‌باشد.

در مجموع یافته های این پژوهش، ضمن تأیید کارایی مدل عشق سه گانه استرنبرگ برای استفاده از زوجین ایرانی، اهمیت و ضرورت برگزاری کارگاه های آموزشی و مشاوره ای در زمینه مسائل و ارتباطات جنسی، خصوصاً برای زوجین جوان را در سرلوحه پیشنهادات خود قرار می دهد. امید است با افزایش تحقیقاتی از این دست و شناسایی و کشف الگوهای روابط عاشقانه زوجین ایرانی، بتوانیم گامی در جهت بهبود و رفع مشکلات خانواده ها و زوجین برداریم.

منابع

- احمدی، خ. (۱۳۸۲). بررسی علل مؤثر بر سازگاری زناشویی. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی.
- استرنبرگ، ر. ج. (۱۳۸۲). *قصه عشق*. ترجمه بهرام، ع. ا. تهران: انتشارات جوانه رشد.
- حمیدی، ف.؛ افروز، غ. ع.؛ کیامنش، ع. ر. و رسولزاده طباطبائی، س. ک. (۱۳۸۳). بررسی ساخت خانواده دختران فراری و اثربخشی خانواده درمانی و درمانگری حمایتی در تغییر آن. *مجله روانشناسی*، سال هفتم، شماره ۲.
- سلیمانیان، ع. ا. و نوابی نژاد، ش. (۱۳۷۳). بررسی تأثیر تفکرات غیرمنطقی بر اساس رویکرد شناختی بر نارضایتی زناشویی. گزارش طرح پژوهشی، دانشگاه تربیت معلم.
- عامری، ف.؛ نوریالا، ا. ع.؛ اژه ای، ج. و رسولزاده طباطبائی، س. ک. (۱۳۸۲). بررسی تأثیر مداخلات خانواده درمانی راهبردی در اختلافات زناشویی. *مجله روانشناسی*، سال هفتم، شماره ۳، ۲۱۸-۲۳۳.
- مظاهری، ع.؛ حیدری، م. و پورا اعتماد، ح. ر. (۱۳۸۲). مقایسه بهداشت روانی در زوج های جشن های ازدواج دانشجویی و زوج های عادی. *مجله روانشناسی*، سال هفتم، شماره ۱، ۵۲-۷۲.
- مهدویان، ف. (۱۳۷۶). بررسی تأثیر آموزش و ارتباط بر رضایت مندی زناشویی و سلامت روانی. پایان نامه کارشناسی ارشد، انستیتو روانپزشکی تهران.

Canary, D. J. & Stafard, L. (1992). Relational maintenance strategies and equity in marriage. *Journal of communication monographs*, 59, 243-267.

Conway, J. (2000). Midlife dimensions with portions. <http://www.Midilife.com>.

Davenport, D. (1992). Measuring perceptions of romantic love from three theoretical perspectives. Report, Research, Article, Eric Data base.

- Disner, R.; Frost, N. & Smith, T. (2004). Describing the neoclassical psyche embedded in Sternberg's triangular theory of love. *Social behavior and personality*, 32(7), 683-690.
- Engel, G.; Olson, K. R.; Patrick, C. (2002). The personality of love: Fundamental motives and traits related to components of love . *Personality and Individual differences*, 32(5), 839-853.
- Fehr, B. (1988). Prototype analysis of the concepts of love and commitment . *Journal of personality and social Psychology*, 55, 557-579.
- Fehr, B. & Russell, J. A. (1991). Concept of love viewed from a prototype perspective. *Journal of personality and social psycholoy*, 60, 425-438.
- Gao, G. (2001). Intimacy, Passion, and commitment in chinese and US american romantic relationship, *International journal of intercultural relations*, 52(3), 329-342.
- Hassebruck, M. & Buhl, T. (1996). Three-dimensional love. *The journal of social psychology*, 136(1), 121-123.
- Hendrick, C. & Hendrick, S. S. (1989). Research on Love: Does it Measure up? *Journal of personality and social psychology*, 50(5), 784-794.
- Lee, J. A. (1977). A topology of styles of loving. *Personality and social psychology bulletin*, 3,173-182.
- Masuda, M. (2003). Meta-analysis of love scales: Do various love scales measure the same psychological construct? *Japanese psychological research*, 45(1), 25-37.
- Odnohue, W. & Grouch, J. L. (1996). marital Therapy and gender linked factors in communication. *Journal of marital and family therapy*. 22, 87-110.
- Olson. D. H. Olson, A. K. (1997). Enrich Canada, Inc. *Jornal of family minstry*, 11(4), 28-53.
- Pyrit, M. C. (1993). The three faces of creativity revsisted: Intimacy Passion, and commitment. *Journal of gifted education international*, 9(1), 22-24.
- Sinha, P. & Mukerjec, N. (1990). Marital adjustment and space orientation. *Journal of social psychology*, 130 (5), 633-639.
- Sterenberg, R. J. (1984). The nature of love. *Journal of personality and social psychology*, 55, 345-356.

- Sternberg, R. J. (1986). A triangular theory of love. *Psychological review*, 93, 119-135.
- Sternberg, R. J. (1988). Triangulating love . In R. J. Sternberg, & M. L. Barnes (Eds). *The psychology of love* (PP: 119-138). New Haven, CT: Yale University Press.
- Sternberg, R. J. (1997). Construct validation of a triangular love scale. *European journal of social psychology*, 27, 313-335.
- Young, M. E. & Long, L. L. (1998). *Counseling and therapy for couples*. John Wiley.